



چرا حدیث کساء بر محور حضرت زهرا(س) است؟! اوج عظمت عرفانی بانوی دوعالم

اوج عظمت عرفانی حضرت فاطمه ش(س) در بخش پایانی حدیث کساء، هنگام معرفی اهل بیت (ع) توسط خداوند به فرشتگان نمایان می‌شود.

اوج عظمت عرفانی حضرت فاطمه ش(س) در بخش پایانی حدیث کساء، هنگام معرفی اهل بیت (ع) توسط خداوند به فرشتگان نمایان می‌شود.

خبرگزاری مهر، حجت الاسلام سید سلمان صفری پژوهشگر فلسفه هنر: حدیث شریف کساء، صرفاً یک گزارش تاریخی از یک واقعه نیست، بلکه بیانی تمثیلی و رمزالود از مراتب وجود و کمالات الهی است که در قالب پنج تن آل عبا تجلی یافته است. محوریت حضرت زهرا (س) در این واقعه، از «راوی بودن حدیث» تا «محوریت معرفی اهل بیت» توسط خداوند، نشان دهنده قطبیت وجودی ایشان در سلسله مراتب هستی، واسطه فیض بودن و نقش حیاتی آن حضرت در استمرار خط ولایت و هدایت الهی است. این مقاله می‌کوشد تا ابعاد این مقام یگانه را در دو عرصه هستی‌شناسی (عرفان نظری) و ولایت (عرفان عملی) تحلیل نماید و به دستاوردهای ژرف عرفانی حدیث کساء اشاره کند.

حدیث کساء، واقعه ای فراتر از تاریخ

حدیث کساء از احادیث مشهور و متواتر در منابع فریقین (شیعه و سنی) است که به مناسبت نزول آیه شریفه تطهیر (احزاب/۳۳) رخ داده و به عنوان یکی از مهم ترین مستندات در تعیین مصداق «اهل بیت رسول الله» و اثبات عصمت ایشان شناخته می‌شود. این حدیث، فضیلت والای پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را به روشنی بیان می‌دارد. حدیث کساء از جمله دلایل اثبات فضیلت، برتری و استحقاق امامان شیعه در امر خلافت به شمار آمده است. (صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۶ ق، ج ۱، ص ۲۷۸؛ صدوق، الخصال، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۳۲۵ و ۵۶۱).

اما از منظر عرفانی، حدیث کساء فراتر از یک واقعه ی صرفاً تاریخی نگریسته می‌شود؛ این واقعه، یک تمثیلی (Symbolic Representation) از حقایق برتر وجود است که در عالم شهود و در فضای خانه ی وحی به ظهور رسیده است. این نمایش، رمزهایی از نظام آفرینش، مراتب انسان کامل، و سلسله ی هدایت الهی را در خود پنهان دارد. در این میان، جایگاه بی نظیر حضرت فاطمه زهرا (س) که به عنوان راوی حدیث و محور معرفی اهل بیت قرار گرفته است، کلید فهم این اسرار عرفانی است. این مقاله با «روش ساختار معنایی هرمنوتیکی»، به تبیین جایگاه حضرت صدیقه کبری (س) در پرتو این حدیث شریف از منظر عرفانی می‌پردازد.

بخش اول: روایت فاطمی؛ رمز ورود به واقعه

شروع حدیث کساء با نام و کلام حضرت فاطمه زهرا (س) از اهمیت ویژه ای برخوردار است:

«عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أُمًّا قَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ»؛

فراز ۱: ورود و سلام محمدی به حریم فاطمی

«...»؛ «دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ»؛ ورود رسول الله به خانه ی فاطمه (س) از منظر عرفانی، نشان دهنده نزول حقیقت نبوی به کانون ولایت است. خانه ی فاطمه (س) نه صرفاً یک مکان فیزیکی، بلکه نماد حریم امن و مطهر وجودی است که قابلیت پذیرش و حفظ اسرار رسالت و ولایت را دارد.

«...»؛ «فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةَ فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ»؛ آغاز با سلام، نماد امنیت، تسلیم و آشتی در این حریم قدسی است. این سلام، مبادله ی آرامش و اتصال روحانی بین نبوت و ولایت را نشان می‌دهد. در مقام عرفانی، فاطمه (س) هم افق با پدر، جواب سلام ایشان را می‌دهد.

فراز ۲ و ۳: عرض حال نبوی و پناه فاطمی (استغاثه و اعاذه)

«...»؛ عرض حال رسول الله: «إِنِّي آجِئُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا» (من در بدنم سستی و وضعی درک می‌کنم). این ضعف، نه یک ضعف جسمانی عادی، بلکه از دید عرفانی، می‌تواند ضعف و حالت قبض وجودی ناشی از فشار تحمل تجلیات عظمی الهی، یا ضعف مقام تفصیل بخشی و تلطیف آن حقیقت جمعی باشد. یا اشاره به رنج ناشی از مسئولیت سنگین رسالت در مواجهه با عالم کثرت و ظلمت است.

«...»؛ پناه فاطمی: «فَقُلْتُ لَوْ أَعِيذُكَ يَا إِلَهِي يَا آتِيَا مِنَ الضَّعْفِ» (پناه می‌دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف). در این لحظه، فاطمه (س) واسطه ی اتصال به نام «الله»، جامع جمیع اسما و صفات، می‌شود. ایشان به منزله «قلب» عالم، قابلیت تفصیل بخشی و تلطیف آن حقیقت جمعی الهی را دارد تا وجود نبوی، تاب تحمل آن تجلی عظیم را پیدا کند. این مقام، یکی از مصادیق «اُمِّ آبِیها» بودن است؛ پناهگاه و مظهر رحمت الهی برای پدر و نبی اکرم (ص).

«قَالَ يَا فاطمةُ إيتيني بالكساء الیمانی قَطَطِینی یو»: درخواست کساء از فاطمه (س)، نماد تجلی (Manifestation) حقیقت ولایت و نور در پوششی از جسم و ماده است. «کساء» نماد ستر، پوشش، حجاب و در عین حال واسطه اتصال است. کساء یمانی (منسوب به یمن که سرزمین نور و برکت در زبان عربی است)، در عرفان می تواند نماد «ولایت» یا «حقیقت محمدیه» باشد که نور را از عالم غیب به عالم شهود تنزل می دهد و آن را برای عالم قابل تحمل می سازد. فاطمه (س) در مقام «صاحب کساء» یا «واسطه ی تنزل» آن، قرار می گیرد.

«وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ»: پوشش کساء، نه تنها ضعف را برطرف می کند، بلکه موجب کمال تجلی نور نبوی می شود. این نورافشانی مانند ماه شب چهارده، نماد تمامیت و کمال ظهور حقیقت نبوی است که از طریق ولایت فاطمی، کامل و جلوه گر شده است. این مقام، به مقام جمع الجمعی (جامعیت جمیع کمالات) در انسان کامل اشاره دارد.

بخش دوم: فاطمه (س)، محور هستی و ولایت (تحلیل عرفانی)

اوج عظمت عرفانی حضرت فاطمه (س) در بخش پایانی حدیث کساء، هنگام معرفی اهل بیت (ع) توسط خداوند به فرشتگان نمایان می شود.

۱. نماد کساء یمانی: رداک هدایت و ولایت

از منظر عرفانی، «کساء» نماد خرقة ی ولایت و رداک هدایت است. این کساء، نه یک لباس معمولی، بلکه پوشش نور و عصمت است که خاندان نبوت را از آلودگی های عالم ماده و کثرت مصون می دارد (تجلی عملی آیه تطهیر).

خرقة ی عرفانی: در عرفان، خرقة نماد بیعت، اتصال به سلسله ی اولیا و اذن در هدایت است. در اینجا، کساء یمانی، تنها لباس هدایت و نجات برای بشریت است که پنج تن آل عبا را در بر می گیرد و ایشان را مأمور به هدایت خلق می کند.

مظهر عصمت: این پوشش، حجابی است که اهل بیت را از هر نوع رجس و پلیدی مطهر می سازد و به مقام عصمت مطلقه می رساند.

۲. سلسله هدایت و محوریت فاطمی

وقتی جبرئیل از خداوند می پرسد که اینان کیانند، پاسخ الهی نقطه اوج تبیین جایگاه حضرت زهرا (س) است:

«هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا»

خداوند متعال برای معرفی پنج تن که افضل مخلوقات اند، حضرت فاطمه (س) را محور (Hub/Axis) قرار می دهد. او مقدم بر رسول الله (ص) (که از لحاظ زمانی جلوتر است) ذکر می شود و سایرین با نسبتشان به او معرفی می گردند:

پدر فاطمه (ابوها)

شوهر فاطمه (بعلها)

فرزندان فاطمه (بنوها)

این نوع معرفی در عرفان نظری، نماد «قطبیت وجودی» (Axis Mundi) است:

الف) مقام ولایت مطلقه: با وجود افضل بودن پیامبر (ص) در مقام نبوت، ذکر فاطمه (س) به عنوان محور، نشان می دهد که ایشان دارای مقام ولایت مطلقه و باطن نبوت هستند. ولایت از حضرت زهرا (س) سرچشمه می گیرد و در طول تاریخ توسط فرزنداناش جریان می یابد.

ب) محور تداوم فیض: حضرت فاطمه (س) واسطه ی استمرار نور نبوت و ولایت در نسل های بعدی است. اگر او نبود، سلسله ی امامت و ولایت منقطع می شد و هدایت الهی در زمین به کمال نمی رسید. ایشان مصباح و مشکات جمع کننده انوار الهی برای نسل های بعدی است.

حدیث کساء از منظر عرفانی، سندی است بر اینکه حضرت فاطمه زهرا (س)، در مقامی قرار دارند که واسطه اتصال نبوت به امامت، منبع فیض ولایت، و محور غایی خلقت هستند، و شناخت ایشان، شرط لازم برای دستیابی به معرفت کامل به سایر معصومین و توحید الهی است

bull&j) هستی به طفیل او (لولاک فاطمی): این محوریت به حدیث قدسی معروف «لولاک»؛¹ که برخی محققین ذیل «لولاک فاطمی» مطرح می کنند، اشاره دارد: «لَوْلَا لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلَيَّ لَمَّا خَلَقْتَكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَّا خَلَقْتُكَمَا» (اگر تو نبود، افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی نبود، تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را خلق نمی کردم). این تعبیر، جایگاه فاطمه (س) را در مقام علت غایی آفرینش (The Ultimate Purpose of Creation) برجسته می کند.

۳. فاطمه (س)، حلقه اتصال غیب و شهود (مقام قلب)

در برخی تفاسیر عرفانی، حضرت فاطمه (س) در حدیث کساء، در مقام «قلب» قرار می گیرد.

bull&j) قلب عارف: قلب در عرفان، محل نزول و تفصیل حقایق غیبی است. همان طور که پیامبر (ص) حقیقت جمعی و مجمل را در وجود خود داشت (ضعف ناشی از عظمت تجلی)، حضرت فاطمه (س) به عنوان مقام قلب عالم، آن حقیقت را تنزل داده، تفصیل می بخشد و در ساحت هستی جاری می سازد (نمایش با کساء و کمال تجلی).

bull&j) راوی حقیقت: راوی بودن حدیث کساء توسط فاطمه (س)، خود نمادی از این مقام است. او کسی است که اسرار نزول و صعود الهی را شهود کرده و آن را برای تاریخ و بشریت روایت می کند. حضرت زهرا (س) بین رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) قرار می گیرد و نقش واسطه ی الوهی و اتصال نبوت به امامت را ایفا می کند.

بخش ماقبل آخر: پیوستن جبرئیل و مباحثات الهی

پیوستن فرشته ی امین وحی (جبرئیل) و سپس میکائیل به جمع اهل بیت، نشان می دهد که حتی برترین موجودات عالم ملکوت نیز مشتاق بهره مندی از فیض کساء و ولایت فاطمی هستند.

bull&j) سؤال جبرئیل: «يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ» (پروردگارا، کیانند در زیر کساء؟) این سوال، برای کسب معرفت و اطلاع نیست، بلکه بیان عظمت واقعه و جلب توجه عالم ملکوت به این مجمع نورانی است.

bull&j) پاسخ الهی و مباحثات: «هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْرِبَةُ الرِّسَالَةِ» خداوند، با افتخار و مباحثات، این پنج تن را به عنوان کانون نبوت و سرچشمه رسالت معرفی می کند و دوباره بر محوریت فاطمه (س) تأکید می ورزد.

bull&j) نزول برکت و رحمت: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي يَا سُبْحَانَ سَمَاوَانِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَذْجِيَّةً»؛² إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ» این فراز، مهم ترین جلوه ی عرفان نظری در حدیث است. آفرینش آسمان ها و زمین، تنها به خاطر محبت این پنج تن، و به طور خاص، به دلیل محوریت فاطمه (س) اتفاق افتاده است. اینان علت بقا و غایت آفرینش هستند.

حدیث کساء در ادبیات عرفانی

ده ها تن از شاعران برجسته عرب، فارس، ترک، لُر و اردو، حدیث کساء را به قالب نظم درآورده اند و در اشعار خود به آن پرداخته اند. (حائری، «حدیث کساء»، ج ۶، ص ۱۸۸)

اشعار آئینی و عرفانی، از دیرباز این مفهوم محوری را به زیبایی بازتاب داده اند:

«وقتی دلت شکست، **بیا حدیث کسا بخوان

هر جا غمت نشست، **بیا حدیث کسا بخوان

حبل المتین، تَمَسَّكَ بِرِ دامن فاطمه است

هر لحظه رشته ات گسست، **بیا حدیث کسا بخوان»

این ابیات، فاطمه (س) را حبل المتین (رشته محکم اتصال به خدا) و حدیث کساء را کلید گشایش در عالم معنا معرفی می کنند، که خود بیانگر نقش واسطه گری ایشان در فیض و شفاعت است.

بخش سوم: مقام هستی شناختی فاطمه (س) در احادیث دیگر و عرفان نظری

برای تعمیق بحث عرفانی، لازم است از دیگر احادیث قدسی و روایی که مقام حضرت زهرا (س) را تبیین می کنند، بهره گرفته شود. این روایات، زمینه ساز درک دیدگاه های عرفان نظری معاصر (همچون کتاب «پدیدارشناسی فاطمه در قرآن، روایات و هنر» درباره جایگاه حضرت زهرا (س) به عنوان حقیقت محمدیه و محور آفرینش هستند.

۱. مقام «اُمّ آبیها» و سرّ حقیقت محمدیه

یکی از القاب پرمغز حضرت فاطمه (س)، «اُمّ آبیها» (مادر پدرش) است که از منظر عرفانی، دارای اهمیت ویژه ای است.

•معنای ظاهری: حمایت عاطفی و عملی حضرت از پدر بزرگوارشان (پیامبر اکرم ص) در دوران سخت رسالت.

•معنای باطنی (عرفانی): از نظر عرفان نظری، «اُمّ» به معنای ریشه، اصل و منشأ است. این لقب اشاره به این دارد که حقیقت وجودی فاطمه (س) منشأ و ظرف ظهور «حقیقت محمدیه» است. به تعبیر برخی عرفا، حضرت فاطمه (س) تجلی کامل وجه زنانه و رحمانی حق در عالم خلق است و ذات و جوهر نبوی از این حقیقت تغذیه می کند. این مقام، همانند مفهوم «تَقْسُّ کَلْبِه» است که هستی از آن نشأت می گیرد.

۲. آفرینش نور فاطمه (س) قبل از خلقت عالم

احادیث متعددی بر این حقیقت دلالت دارند که نور مقدس اهل بیت (ع)، و به ویژه نور حضرت فاطمه (س)، پیش از آفرینش عالم خلق شده است.

•حدیث جابر بن عبدالله انصاری: در روایتی آمده است که خداوند، نور حضرت زهرا (س) را پیش از آفرینش آسمان ها و زمین آفرید. این تقدم نوری، نشان از تقدم رتبی ایشان در سلسله مراتب وجود است.

•«اللّٰهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور/۳۵): از منظر عرفانی، اهل بیت (ع) و به ویژه حضرت فاطمه (س)، مصادیق این نور الهی هستند که در مرتبه احدیت و واحدیت ظهور یافته اند و سپس به عالم کثرت تنزل یافته اند. حضرت فاطمه (س)، آئینه ی تمام نمای این نور الهی است که در قالب انسانی ظاهر شده و قابلیت جمع بین عصمت، شفاعت و ولایت را دارد.

۳. تفسیر باطنی سوره قدر

حدیث شریفی از امام صادق (ع) در تفسیر باطنی سوره قدر، جایگاه هستی شناختی فاطمه (س) را به اوج می رساند:

«مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَذْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ» (هر کس فاطمه را به حقیقت معرفتش بشناسد، قطعاً شب قدر را درک کرده است.)

•تطابق فاطمه (س) با «لایله القدر»: شب قدر در عرفان، نماد مقام جمع (وحدت) و ظرف نزول حقایق و فیوضات الهی است. تطبیق حضرت فاطمه (س) بر لایله القدر، به این معناست که ایشان کانون نزول حقایق قرآن و ولایت بوده و فهم ایشان، کلید رسیدن به معرفت تام و کامل (شب قدر) است.

•عجز از معرفت (علت نام گذاری): همچنین در روایات آمده است که ایشان را «فاطمه» نامیده اند، چون مردم از درک و شناخت حقیقی ایشان «فطامه» (باز داشته) شده اند. این خود تأییدی بر عمق و ژرفای هستی شناختی ایشان است که فراتر از درک عادی بشر قرار دارد.

بخش چهارم: فاطمه (س) در عرفان معاصر

کتاب «پدیدارشناسی فاطمه (س) در قرآن، روایات و هنر»، با رویکرد پدیدارشناسی به شخصیت حضرت زهرا (س)، ابعاد وجودی ایشان را در عرصه های عرفان، اجتماع و سیاست تحلیل کرده و نکات مهمی را در راستای بحث عرفانی حدیث کساء مطرح می سازد.

۱. فاطمه (س) محور تقریب مذاهب و انسان کامل

حضرت فاطمه (س) با نگاه پدیدارشناسانه، محور تقریب مذاهب است، چرا که شخصیت ایشان مورد احترام همه فرق اسلامی است. ایشان حضرت زهرا (س) را نمونه یک انسان کامل برای عصر حاضر معرفی می کند که توانست جمع بین اخلاق، سیاست، عفاف و فعالیت اجتماعی را فراهم آورد.

در تحلیل عرفانی، این جمع بین اضداد (مانند عفاف و فعالیت اجتماعی) نشان دهنده مقام جامعیت وجودی است. حضرت فاطمه (س) در حدیث کساء در کانون عصمت (عفاف و طهارت) قرار دارد و همزمان در مقام سیاسی و اجتماعی (تبیین مصداق اهل بیت) نقش آفرینی می کند، که این همان تجلی انسان کامل در منظر عرفانی است.

این نظریه با تأکید بر مقام عرفانی حضرت زهرا (س)، لقب «ام ابیها» را به معنای «ذات و حقیقت محمدیه» تفسیر می کند. شخصیت عرفانی حضرت زهرا (س) قائل به خود است و صرفاً به نسبت های اضافی (همسر امیرالمؤمنین یا دختر رسول الله) محدود نمی شود. این دیدگاه، حضرت زهرا (س) را در بالاترین مرتبه وجودی قرار می دهد که هستی محمدی از آن منشأ می گیرد.

این دیدگاه محوریت فاطمی در حدیث کساء (فاطمه و پدرش …) را تقویت می کند. اگر ایشان ذات حقیقت محمدیه باشد، آنگاه تقدم در معرفی و پناه نبوی به ایشان (ضعف در بدن نبی) کاملاً توجیه پذیر است. همچنین حدیث قدسی «لولاکما» که ایشان را علت غایی آفرینش در مرتبه بالاتر از نبی و ولی قرار می دهد، تأییدکننده این مقام شامخ و خودبسندگی وجودی است.

۳. فاطمه (س)، مظهر جمال و رحمانیت حق و ستیز حق با باطل

حضرت فاطمه (س) مظهر جمال و رحمانیت حق در کنار ستیز حق با باطل است.

این دو جنبه در حدیث کساء به زیبایی جمع شده است. رحمانیت و جمال در تجلی نورانی چهره پیامبر (ص) پس از پوشش کساء (که از طریق فاطمه فراهم شد) و مقام شفاعت و واسطه فیض (که در بخش های بعدی به آن می پردازیم) متجلی است. ستیز حق با باطل نیز در تعیین مصداق اهل بیت (آیه تطهیر) و جدا کردن خط ولایت از غیر آن، نهفته است.

بخش پنجم: ابعاد شفاعت و ولایت فاطمی

حدیث کساء با دعای پیامبر (ص) و تأیید الهی، علاوه بر تبیین جایگاه هستی شناختی، بر ابعاد عملی ولایت حضرت فاطمه (س) نیز تأکید دارد.

۱. شفاعت و برکت حاصل از کساء

در بخش پایانی حدیث، وعده های الهی و دعای پیامبر (ص) نشان می دهد که توسل به اهل بیت زیر کساء، وسیله ای برای نجات است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَتِي … فَأَجْعَلْ صَلَواتِكَ وَ بَرَکاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ غَفْرَتَكَ عَلَیْهِمْ وَ عَلَیْنَا» (خدایا اینان اهل بیت و خاصان و نزدیکان منند … پس درودها و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر ایشان و بر ما قرار ده).

«… بِاسْمِ اللَّهِ» … فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ وَ لَهُمْ وَ قُلْتُ شَفَاعَتَكُمْ» (آمرزیدم تو و ایشان را و شفاعت شما را پذیرفتم).

مقام شفاعت کبری: پذیرش شفاعت پنج تن از جانب خداوند، نشان دهنده مقام شفاعت کبری و واسطه گری ایشان در امر مغفرت است. از آنجایی که فاطمه (س) محور این جمع است، او کانون و منشأ جریان شفاعت است. این همان معنای عملی اتصال به «حبل المتین فاطمی» است که در ادبیات عرفانی آمده است.

۲. رمز خلود و استمرار ولایت

اعلام عمومی این واقعه و تأکید بر اینکه «ما جَمَعَ مَحْفِلٌ مِنْ شِیعَتِنَا وَ مُجْتَبِئِنَا إِلَّا وَ تَرَكْتُ عَلَیْهِمُ الرَّحْمَةَ» (در هیچ محفلی از شیعیان و دوستانان ما جمع نشوند مگر آنکه رحمت بر آنان نازل شود)، تضمین کننده بقای ولایت و دوام فیض فاطمی در طول تاریخ است.

ولایت در تاریخ: همان گونه که در مقدمه اشاره شد، حضرت فاطمه (س) امّ الائمّه و سرچشمه ولایت از امام حسن تا امام مهدی (عج) است. این خلود و برکت، نتیجه طبیعی مقام هستی شناختی ایشان به عنوان ذات حقیقت محمدیه و علت غایی آفرینش است. هر گونه خیر و برکتی که تا قیامت به شیعیان می رسد، از مجرای این سلسله ی کساء یمانی و به واسطه ی محوریت فاطمه (س) جاری می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس تحلیل عرفانی ساختار و محتوای حدیث کساء، جایگاه حضرت فاطمه زهرا (س) در نظام هستی و تاریخ، فراتر از یک شخصیت بزرگ و حتی یک معصوم است؛ ایشان دارای مقامی یگانه است که می توان آن را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. قطبیت وجودی و محوریت هستی: معرفی اهل بیت (ع) با محوریت «فاطمه و پدر و شوهر و دو فرزندش»، نشان دهنده آن است که نور و حقیقت سایر معصومین (ع) از طریق ایشان به ظهور می رسد و وجود ایشان، قطب و مدار هدایت در عالم است.

۲. واسطه فیض و پناهگاه نبوی: در مقام «اعاده» (پناه دادن) به نبی اکرم (ص) از ضعف، حضرت زهرا (س) در مقام «قلب عالم» و «مظهر اسم جامع الله» قرار می گیرد تا تجلیات عظمت الهی بر وجود نبوی را تلطیف و تفصیل دهد.

۳. علت غایی آفرینش (لولای فاطمی): تأکید الهی بر اینکه خلقت افلاک و هر آنچه در آن هاست به خاطر محبت این پنج تن است و مجوریت فاطمه (س) در این معرفی، بر این حقیقت دلالت دارد که بقای هستی به تداوم ولایت و نسل فاطمی وابسته است و ایشان علت العلل و غایت آفرینش در عالم امکان هستند.

۴. منبع تداوم ولایت: حضرت فاطمه (س)، تنها مجرای استمرار نور ولایت و امامت از طریق فرزندانیش (از امام حسن تا امام مهدی -عج-) در تاریخ است و بدون ایشان، خط هدایت الهی بر زمین منقطع می شد.

در نهایت، حدیث کساء از منظر عرفانی، سندی است بر اینکه حضرت فاطمه زهرا (س)، در مقامی قرار دارند که واسطه اتصال نبوت به امامت، منبع فیض ولایت، و محور غایی خلقت هستند، و شناخت ایشان، شرط لازم برای دستیابی به معرفت کامل به سایر معصومین و توحید الهی است.

منابع

حائری، سید مهدی (۱۳۸۰ ش.). «حدیث کساء»، در دایرةالمعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ دوم.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۲ ش.). الخصال، ترجمه جعفری یعقوب، قم: نسیم کوثر.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۶ ق.). کمال الدین و تمام النعمة. محقق علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.

صفوی، سید سلمان (۱۳۹۴ ش.). پدیدارشناسی فاطمه (س) در قرآن، روایات و هنر، قم: انتشارات سلمان آزاد.